info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۵۷
شنبه / ۲۰ اردیبهشت / ۱۴۰۴
۱۲ / ذوالقعده / ۱۴۴۶
10 / May / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگانساز اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

مکث

حیاتی امابی خریدار!

در حالی که آمارهای نگران کننده از بروز شدید متقاضیان رشته‌های حیاتی پزشکی یکی پس از دیگری منتشر می‌شود، این سوال جدی‌تر از همیشه مطرح است: چه می‌توان کرد تا قطار نیمه جان نظام درمانی دوباره روی ریل بیفتد؟

به گزارش پیام آشنا: به نقل از جام‌جم، در روزگاری نه چندان دور، رقابت بر سر صندلی‌های تخصص پزشکی آن چنان داغ بود که قبولی در رشته‌هایی مانند بیهوشی یا جراحی قلب، آرزوی بسیاری از پزشکان جوان به شمار می‌رفت اما حالا ورق برگشته و وزارت بهداشت از خالی ماندن بسیاری از این ظرفیت‌ها خبر می‌دهد. تا جایی که به گفته معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی، برخی از حیاتی‌ترین رشته‌ها از جمله قلب، بیهوشی و اطفال با کاهش ۷۰ درصدی ورودی متخصص مواجه‌اند؛ موضوعی که به تازگی وزیر بهداشت نیز صراحتاً آن را تایید کرد و خبر از عدم تامین نیاز درمانی کشور در این بخش‌ها داد.

بیهوشی رشته بیهوشی

یکی از مشکلات مزمن نظام سلامت کشور، نامه‌اعتکاف میان نیاز واقعی جامعه به تخصص‌های پزشکی و گرایش داوطلبان به برخی رشته‌های خاص است؛ مشکلی که در سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته است. در شرایطی که کشور با کمبود نیرو در برخی رشته‌های حیاتی مانند بیهوشی، طب اورژانس و اطفال مواجه است، بسیاری از پزشکان جوان تمایل به رشته‌های پرمراجعه مثل جراحی‌های زیبایی، پوست و سایر رشته‌های سودآور دارند. گرایشی که موجب خالی ماندن ظرفیت‌های مهم و تهدید آینده نظام درمانی شده است. یک شکاف جدی، معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی در گفت‌وگو با جام‌جم در این باره می‌گوید: «در حال حاضر سه رشته از رشته‌های اصلی ما دچار مشکل هستند که در صدر آنها رشته بیهوشی است. متاسفانه به رغم این کاهش رشته یکی از اساسی‌ترین شاخه‌های پزشکی محسوب می‌شود و نقش حیاتی در انجام جراحی‌ها و مراقبت‌های ویژه دارد. با این حال در سال‌های اخیر شاهد کاهش چشمگیر تعداد متخصصان این حوزه بودیم. این وضعیت به گونه‌ای است که بسیاری از بیمارستان‌ها، خصوصاً در مناطق محروم با کمبود نیروی متخصص مواجه‌اند. این وضعیت منجر به افزایش فشار کاری بر رزیدنت‌ها و پزشکان شاغل در این حوزه شده و کیفیت خدمات درمانی را تحت تاثیر قرار داده است. معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی، با اشاره به کاهش چشمگیر داوطلبان رشته بیهوشی ادامه می‌دهد: بسیاری از فارغ التحصیلان پزشکی به دلیل شرایط دشوار کاری، تعرفه‌های پایین نیرو، حمایت‌های شغلی و افزایش فرسودگی شغلی این رشته را انتخاب نمی‌کنند یا پس از مدتی آن را ترک می‌کنند. همین امر موجب شده تا بخش‌های زیادی از ظرفیت آموزشی این رشته خالی بماند. به گفته شکارچی، ظرفیت پذیرش متخصصان بیهوشی در سال گذشته حدود ۴۴۰ نفر بوده اما بیش از ۷۰ درصد این ظرفیت خالی مانده است. این مساله به ویژه در بیمارستان‌های مناطق محروم وضعیت وخیم‌تری از کرده چرا که بسیاری از جراحی‌ها به دلیل نبود متخصص بیهوشی انجام نمی‌شود. مثلا در استان لرستان، بیمارستان‌هایی داریم که متخصص زنان، جراح ارتوپد، چشم پزشک و... داریم اما چون متخصص بیهوشی نداریم جراحان عملا نمی‌توانند کاری کنند.

طب اورژانس در وضعیت اورژانسی

وزیر بهداشت و درمان به تازگی اعلام کرده که میزان ورودی‌ها در برخی رشته‌های جراحی دشوار مانند جراحی قلب، جراحی عروق، بیهوشی و طب اورژانس به اندازه نیاز کشور نیست اما ظاهرا وضعیت در رشته‌هایی مثل طب اورژانس و اطفال بسیار وخیم‌تر از یک نگرانی با نیازهای کشور است و اکنون به سمت از بین رفتن حرکت می‌کنند! معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی در این باره می‌گوید: یکی از رشته‌هایی که این روزها به رغم اهمیت بالای آن، در حال افتراض است رشته طب اورژانس است به طوری که سال گذشته ۴۳۹ ظرفیت برای این رشته وجود داشت که ۴۰۹ مورد یعنی بیش از ۹۰ درصد ظرفیت خالی ماندا رشته اطفال نیز وضعیت بحرانی دارد. در این حوزه نیز سال گذشته ۴۶۹ ظرفیت در کل کشور وجود داشت که حدود ۴۴۹ مورد از آن یعنی بالای ۷۰ درصد متقاضی نداشت.

چه باید کرد؟

در حالی که آمارهای نگران کننده از بروز شدید متقاضیان رشته‌های حیاتی پزشکی یکی پس از دیگری منتشر می‌شود، این سوال جدی‌تر از همیشه مطرح است: چه می‌توان کرد تا قطار نیمه جان نظام درمانی دوباره روی ریل بیفتد؟ معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی، با اشاره به ابعاد نگران کننده بحران، معتقد است هنوز هم می‌توان با اقدامات فوری و هدفمند، جریان ورودی نیروهای متخصص را احیا کرد. برای حل این بحران، باید مشوق‌های لازم برای دانشجویان پزشکی در نظر گرفته شود. برخی از اقدامات موثر شامل حذف یا کاهش محدودیت‌های طرح تعهد خدمت، افزایش تعرفه‌های متخصصان بیهوشی، ارائه مزایا و امکانات مناسب و بهبود شرایط کاری در بیمارستان‌هاست. علاوه بر این تغییراتی در نظام آموزشی مثل حذف آزمون‌های پیچیده ورودی و تسهیل مسیر جذب دانشجویان علاقه‌مند بالین رشته‌ها نیز ضروری است. شکارچی با بیان این که کمبود متخصصان در حوزه‌های قلب، بیهوشی و اطفال می‌تواند سلامت عمومی جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و مردم را با مشکلات جدی روبه رو کند، می‌افزاید: در صورت عدم اتخاذ تدابیر فوری، نظام سلامت کشور در آینده با چالش‌های عمیق‌تری روبه رو خواهد شد. البته خوشبختانه اتاق فکر وزارت بهداشت در این زمینه دغدغه مند است اما در هر حال، نیاز به اقدامی مرتبط با بدنه با همکاری یکدیگر راهکارهای عملی را برای حفظ و جذب نیروی متخصص در این حوزه اجرایی کنند تا با کیفیت خدمات درمانی حفظ و از بحران‌های آینده جلوگیری شود.

این ژنگ خطر را بشنوید

در شرایطی که بحران در برخی تخصص‌های حیاتی پزشکی به مرز هشدار رسیده، آمارها از آینده‌ای نگران کننده برای نظام سلامت کشور خبر می‌دهد؛ آینده‌ای که در آن اتاق‌های جراحی ممکن است جراح داشته باشند اما بدون متخصص بیهوشی. کاری از پیش نرود؛ اورژانس‌ها ممکن است با بیماران پر شوند اما بدون پزشک متخصص. کسی نباشد تصمیمات حیاتی بگیرد و کودکانی که در مراکز درمانی چشم به راه پزشک هستند، بی‌پاسخ بمانند. بحران امروز نه تنها مساله‌ای آماری یا آموزشی نیست؛ این یک زنگ خطر اجتماعی است. کمبود متخصص در حوزه‌هایی مثل اطفال، بیهوشی و طب اورژانس، مستقیماً با جان مردم سروکار دارد. اگر امروز چاره‌ای اندیشیده نشود، فردا شاید دیگر حتی راه حلی هم باقی نمانده باشد. اکنون دیگر وقت آن است که سیاست گذاران حوزه سلامت از پشت میزها برخیزند و با نگاهی واقع گرایانه، مسیر جذب، نگهداشت و حمایت از نیروهای متخصص را بازنگری کنند. این بحران را نمی‌توان با وعده و امیدواری پشت سر گذاشت؛ نظام سلامت به نسخه‌ای دقیق، فوری و اجرایی نیاز دارد. سلامت جامعه را نمی‌توان با کم توجهی و بی تفاوتی به حال خود رها کرد.

گزارش روز

نام خلیج فارس در مسیر تاریخ

در حالی که یاختر زمین به پیروی از جغرافیا نگاری یونانی و روم باستان دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عرب را "خلیج فارس - Sinus Persicus" می‌خواند. خاور اسلامی به پیروی از جغرافیا نگاری ایران باستان و قرون اولیه اسلامی آن را "آبحر الفارسی -دریای پارس" خوانده است.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از ایستا، خلوده بشر، از آغاز تاریخ نویسی و جغرافیا نگاری عامی تاکنون، دریای جداکننده فلات ایران از شبه جزیره عرب را به نامی جز "دریای فارس" یا "خلیج‌فارس" نشناخته است. جز امروز که برخی محافل دلبسته به ناسیونالیزم افراطی عربی، به دلایل خاص خود در تلاش تغییر این نام افتاده و ضرورت مقابله با این تلاش را نزد همه صاحبان اندیشه و دانش به ویژه تاریخ دانان و جغرافیا نویسان تحریک کرده اند.

دانشمندان خاور و باختر جهان متمدن، بابلیان را قدیمترین قومی دانسته اند که مطالعات اولیه چهره زمین را به گونه‌ای جدی آغاز کردند. آنان در آثاری که از سه هزار سال پیش برجای نهاده اند، چهره زمین را عرصه مسطحی فرض کردند محاط در دریای پارس که آن را به شیوه آشوریان نارمراتو nar marratu یا "رودخانه آب شور" نام نهادند. پس از بابلیان، پژوهش‌های علمی به دست یونانیان و ایرانیان رونق تازه‌ای پیدا کرد.

لوبرجان محمد ابن احمد البیرونی الخارزمی در کتاب "التفهیم لاوائل صناعت التنجیم" ضمن شرح تقسیم بندی هائی که تا آن زمان در مورد چهره جغرافیائی زمین متداول بود، در باره تقسیم بندی های یونانیان می گوید که آنان خشکی های جهان را به قاره‌ایاسیا "آسیا"، اوبیه یا اییبه "آفریقا" واوربی "اروپا" تقسیم کرده و آبهای زمین را عبارت از یک اقیانوس کناری دانسته که کره خشکی را احوز زده و چهار دریا به شرح زیر و با نام های زیر از آن به داخل صفحه مسطح خشکی پیش رفته اند:

۱- دریای متوسط Mediterranean که در عصر رومیان خلیج روم Roman Gulf نام گرفت.

۲- دریای خزر Caspian Sea که دریائی باز و متصل به اقیانوس کناری فرض می شد.

۳- خلیج پارس Sinus Persicus که در عصر رومیان، به شیوه ایرانیان "دریای پارس -Mare Persicum" نام گرفت.

۴- خلیج عربی یا Sinus Arabicus که به دریای سرخ کنونی اطلاق می شد.

آثار باقی مانده از یونان باستان تردیدی بر جای نمی گذارد که این گونه تقسیم بندی میان همه تاریخ و جغرافیا نویسان یونان باستان ماندند تاس در حالی که یاختر زمین به پیروی از جغرافیا نگاری یونانی و روم باستان دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عرب را "خلیج فارس - Sinus Persicus" می‌خواند. خاور اسلامی به پیروی از جغرافیا نگاری ایران باستان و قرون اولیه اسلامی آن را "آبحر الفارسی -دریای پارس" خوانده است.

ملتی Thales of Melitus (۵۴۶ تا ۶۴۰ پیش از میلاد)، اناکسی ماندر Anaximender (۵۴۶ تا ۶۱۲)، کوسماس ایندیکوپلوتس Indicopleutes (حدود ۵۳۵ پیش از میلاد)، هکاتئوس Hecataus (حدود ۵۰۰ پیش از میلاد)، اراتوستن Eratosthenes (حدود ۲۰۰ پیش از میلاد)، و استرابو Strabo که مقارن تاریخ میلادی می زیست، متداول بود.

با توجه به آثار بسیار اندکی که از ایران باستان تالیف شد، متظور از دو دریایی که در آیات شریفه ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه الرحمن را دو دریای فارس و روم می دانند و می گویند: "قل الله عز و جل: مرج البحرین یلتقیان.

بروی من الحسن قال بحر فارس و الروم.."

جغرافیا نویسان یاد شده از قرون اولیه اسلامی به ویژه دانشمندانی مانند ابن حوقل و استخری (الاصطخری) در مجموع دلیل نامیدن خلیج فارس راشکوه و عظمت سرزمین فارس دانسته اند.

شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب التویری، از جغرافیاویسان عصر اسلامی در کتاب نهایت الارب نیز نظر ابن الفقیه را تایید کرده و می گوید یتفرع من البحر المحیط خلیجان: احدهما من جهت المغرب و یسمی الرومی والاخر من جهت المشرق و یسمی البحر الصینی و هندی و الفارسی و الیمنی و الحبشی بحسب مایمر علیه من البلاد.

یحتی از اقیانوس کناری جهان دو خلیج متشعب می شوند: یکی از آنها دریای روم است و آن دیگری موسوم به دریای چین و هند و فارس یمن و حبشه به اعتبار مجاورت های که این دریا از کنارشان می گذرد.

این بحث التویری که در اواسط قرون اولیه اسلامی مطرح شده است نشان از آن دارد که نام همه دریاهای خاور گیتی مورد اشاره در سوره مکرمه الرحمن از قرآن مجید که در قرون اولیه اسلامی به پیروی از جغرافیا نگاری ایران باستان "دریای فارس" شناخته می شد به مرور زمان تغییر وضعیت داده تفصیل فرضیه ایرانی دوگانه بودن آب های درونی کره خاکی و به "پارس" موسوم بودن بدنه عظیم آب های خاوری جهان که امروز اقیانوس هند و متشعباتش شناخته می شوند شرح مفصلی را ارائه می دارند.

فرضیه ایرانی دوگانه بودن آب های درونی کره خاکی حتی در قرآن کریم مورد اشاره است. چنان که ابوبکر احمد ابن محمد معروف به ابن الفقیه در صفحه ۴ "مختصر البلدان" که در سال ۲۷۹ هجری تالیف شد، متظور از دو دریایی که در آیات شریفه ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه الرحمن را دو دریای فارس و روم می دانند و می گویند: "قل الله عز و جل: مرج البحرین یلتقیان.

بروی من الحسن قال بحر فارس و الروم.."

جغرافیا نویسان یاد شده از قرون اولیه اسلامی به ویژه دانشمندانی مانند ابن حوقل و استخری (الاصطخری) در مجموع دلیل نامیدن خلیج فارس راشکوه و عظمت سرزمین فارس دانسته اند.

شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب التویری، از جغرافیاویسان عصر اسلامی در کتاب نهایت الارب نیز نظر ابن الفقیه را تایید کرده و می گوید یتفرع من البحر المحیط خلیجان: احدهما من جهت المغرب و یسمی الرومی والاخر من جهت المشرق و یسمی البحر الصینی و هندی و الفارسی و الیمنی و الحبشی بحسب مایمر علیه من البلاد.

یحتی از اقیانوس کناری جهان دو خلیج متشعب می شوند: یکی از آنها دریای روم است و آن دیگری موسوم به دریای چین و هند و فارس یمن و حبشه به اعتبار مجاورت های که این دریا از کنارشان می گذرد.

این بحث التویری که در اواسط قرون اولیه اسلامی مطرح شده است نشان از آن دارد که نام همه دریاهای خاور گیتی مورد اشاره در سوره مکرمه الرحمن از قرآن مجید که در قرون اولیه اسلامی به پیروی از جغرافیا نگاری ایران باستان "دریای فارس" شناخته می شد به مرور زمان تغییر وضعیت داده

به و گفته مقدسی البشاری در قرن چهارم هجری کلمه "فارس" شامل بدنه آبی می شد که از فارس تا یمن ادامه داشت.

این وضعیت در نامگذاری دریاها درونی جهان تا قرن بیستم ادامه یافت و در حالی که باختر زمین به پیروی از جغرافیا نگاری یونانی و روم باستان دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عرب را "خلیج فارس - Sinus Persicus" می خواند. خاور اسلامی به پیروی از جغرافیا نگاری ایران باستان و قرون اولیه اسلامی آن را "آبحر الفارسی -دریای پارس" خوانده است. از آغاز قرن بیستم رفته رفته کلمه "خلیج فارس -Persian Gulf" در ادبیات جغرافیای شرق اسلامی مانند دیگر نقاط جامعه بشری به جای "آبحر الفارسی -دریای پارس" می نشیند و متداول می شود.

اگرچه در دهه ۱۹۳۰ سر چارلز بلگریو Sir Charles Belgrave، نماینده سیاسی دولت بریتانیا در خلیج فارس، پس از تبدیل طوایف جنوب خلیج فارس به امارات عربی و تکمیل برنامه ایران زدائی جنوب خلیج فارس که از تاریخ ورود استعمار بریتانیا به متطقه در سال ۱۸۲۰ شروع شده بود، پرونده ای را برای دگرگون کردن نام این دریا به "خلیج عربی" تهیه کرد که مورد توجه دولت بریتانیا قرار نگرفت. و در سال ۱۹۵۶ به متوان مشاور حاکم بحرین شیخ سلمان الخلیفه را وادار کرد که از نام عربی به جای خلیج فارس استفاده کند. در حقیقت پیروزی کوتاهمدتی ۱۹۵۸ و ۱۹۶۸ بحتی در عراق سرآغاز اقدامات جدی بود. البته برای تغییر این نام جغرافیائی که جتبه ای کاملا نژاد پرستانه داشته است و بحث عراق در توضیحات خود جای تردیدی بر جای نگذارده است که هدف اصلی از تغییر نام های جغرافیائی و ادعاهای سرزمینی علیه ایران در متطقه خلیج فارس امر از فزجار ایدئولوژیک نسبت به ایران بوده است.

برخلاف تلاش های گسترده مالی و تبلیغاتی رژیم بحتی پیشین عراق و برخی از شیوخ عربی جنوب خلیج فارس در تبلیغ متطقه ای و بین المللی این تغییر نام که نخستین و آخرین نمونه از تغییر اسامی جغرافیائی به دلایل سیاسی است. این اقدام خلاف مغررات و اصول علمی نتوانسته است مقبولیت ضروری را در میان ملل جهان کسب کند نه تنها گروه متخصصان سازمان ملل متحد برای یکسان سازی اسامی جغرافیائی UNGOGN پیوسته فارسی بودن نام خلیج فارس را تایید می کنند بلکه دبیرخانه سازمان ملل متحد در چند بیانیه (دستور العمل) رسمی در سال های مختلف نام خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده است.

پرویز مجتهدزاده

برش

چرا آمریکا توان جنگ فرسایشی در هیچ کجای جهان را ندارد؟

علاوه بر پیشرفته بودن تجهیزات نظامی، کمیت نیز اهمیت دارد و این دقیقا همان چالشی است که ارتش بغدادر قدرتمند آمریکا با آن دست به گریبان است.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از همشهری، اندیشکده امریکن اینترپرایز با اشاره به اینکه آمریکا از جنگ نیست نوشته ارتش آمریکا از نظر تعداد کشتی، هواپیما و نیروی انسانی در شرایطی نیست که بتواند وارد جنگی گسترده و فرسایشی شود. برخی از مهمترین نکاتی که در این گزارش اشاره شده عبارتند از:

محدودیت‌های تجهیزاتی فعلی ارتش آمریکا

کوچک‌تر و قدیمی‌تر شدن ناوگان دریایی و هوایی رزمی آمریکا در مقایسه با گذشته

متاسب بودن تجهیزات فعلی تنها برای درگیری‌های کوتاه و شدید

درس‌های جنگ‌های اخیر

جنگ اوکراین، درگیری‌های اسرائیل (رژیم صهیونیستی) و عملیات‌های نظامی در یمن نمونه‌هایی هستند که ملزومات جنگ مدرن را به واشنگتن یادآوری کردند. دولت آمریکا دریافته که برای پیروزی در درگیری بزرگ به منابع بیشتری نیاز دارد.

ناتوانی کارخانه‌های اسلحه‌سازی در افزایش سریع تولید از جمله ناتوانی ارتش در افزایش تولید گلوله‌های توپخانه پس از جنگ اوکراین

مشکلات افزایش تولید مهمات دقیق و پیشرفته‌تر

دلایل وضعیت فعلی

جایگزین کردن نیروی نظامی بزرگ با نیروی پیشرفته اما مشکننده چند دهه اخیر

اولویت دادن به تولید محدود سلاح‌های گران‌قیمت و پیشرفته به جای تولید انبوه مهمات

کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده به دلیل چالش‌های مداوم در استخدام نیرو

فشار بر پرسنل به دلیل ماموریت‌های طولانی‌مدت

محدودیت‌های بودجه برای نگهداری تأسیسات و ایجاد مشکلاتی مانند فرسودگی پایگاه‌ها

تلاش واشنگتن برای تغییر رویکرد

دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به پیت هگست، وزیر دفاع برای تغییر تمرکز پنتاگون در آمادگی برای جنگ بزرگ

در پیش گرفتن رویکرد جلوگیری از کاهش منابع حیاتی مانند پرسنل، مهمات و تجهیزات جدید

اشاره

با هوش مصنوعی از آن دنیا هم آهنگ می‌خوانند!

این روزها شادمهر به‌جای مهستی می‌خواند، مرتضی پاشایی از آن دنیا آهنگ می‌دهد، هایده هم که دیگر آلبوم جدیدش در حال ساخته‌شدن است که برای تمام این اتفاق‌های نادر باید دست هوش مصنوعی را ببوسیم؛ ولی خب نمی‌توانیم از جنبه منفی این اتفاق چشم‌پوشی کرد با اینکه محبوب‌شدن دوباره آهنگ‌های قدیمی

اسری خوشایند است و آشنایی نسل امروز با صداهای قدیمی مانند محمدرضا شجریان و هایده اتفاق مثبتی است یا اینکه ترکیب سبک‌های سنتی با مدرن می‌تواند نسل جدید را جذب موسیقی ایرانی کند، اما اگر بازسازی‌ها بدون شناخت درست از موسیقی سنتی ایرانی انجام شود، ممکن است به تحریف یا سطحی‌سازی مفاهیم عمیق موسیقی ایرانی منجر شود و نکته مهم دیگر این است که هوش مصنوعی شاید بتواند از نظر تکنیکی آهنگ قابل‌قبولی تولید کند؛ اما خلأ که در این آهنگ‌ها توجه را جلب می‌کند نبود احساس انسانی است؛ زیرا هوش مصنوعی توان شبیه‌سازی ظرافت انسانی را ندارد.

با دغاشدن بازار هوش مصنوعی و تولید روزافزون و بی‌رویه آهنگ‌هایی که شاسنامه هنری معتبر ندارند نه‌تنها خواننده‌اصلی را به آزار می‌برد؛ بلکه بر تاریخ موسیقی ایران تأثیر مخربی وارد می‌کند که علاوه بر بی‌نصیب کردن نسل امروز از آهنگ باصالت، نسل‌های بعد را هم بسیار با موسیقی و خوانندگان ایرانی بیگانه می‌کند.

برای بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر تاریخ موسیقی با حمیدرضا عاطفی مدیر اجرایی خانه موسیقی گفتگو کردیم؛ او با اشاره به اینکه «با تغییر و تحولاتی که در فناوری و تکنولوژی جهان در حال رخ‌دادن است هایده در هوش مصنوعی ما وارد دنیای جدیدی شدیم که سازوکارهای خودش را می‌طلبد» می‌گوید: باید بازنگری‌هایی برای تأمین حقوق مادی و معنوی هنرمندان انجام شود.

در بحث هوش مصنوعی همیشه پای کسانی در میان است که با بازسازی و تغییر بخشی از ترانه و یا ساختن آثار جدید باعث مخدوش‌شدن اثر اصلی می‌شوند در این زمینه باید بررسی و تحقیق‌هایی صورت بگیرد و همه کارشناسان مسلط بر حوزه موسیقی و هنر در کنار کارشناسان مسلط بر حوزه ارتباطات و فناوری باید برای حفظ و حراست آثار قدیمی و جدید تلاش کنند.

اقدام خانه موسیقی

عاطفی از اقدامات خانه موسیقی برای نظارت بر همه‌گیری هوش مصنوعی خبر داده و اضافه می‌کند: خانه موسیقی به‌منظور رسیدگی به سازوکارهایی که در استفاده از هوش مصنوعی باید بکار گرفته شود همکاری جدیدی را با پارک فناوری شروع کرده است البته استفاده‌های مثبت زیادی هم از هوش مصنوعی صورت‌گرفته ولی متأسفانه این تکنولوژی می‌تواند روی منفی داشته باشد که خیلی هم تأثیرگذار است ما فعلاً برنامه دقیقی نداریم؛ ولی هدفمان جلوگیری از استفاده غیر مناسب و غیرحرفه‌ای افراد از هوش مصنوعی است که تا ۶ ماه آینده قابل اجرا است.

جای قانون کپی‌رایت خالی است

مدیر اجرایی خانه موسیقی درباره قانون کپی‌رایت در ایران توضیح دادند: ما خلأ قانونی کپی‌رایت نداریم با اینکه هنوز کپی‌رایت به‌صورت رسمی به اجرا درنیامده است و نبود این قانون به چشم می‌خورد باید گفت ما قانونی تحت عنوان حق مؤلف و مصنف داریم که در سال ۴۶ وضع شد ولی متأسفانه کسی آن را جدی نمی‌گیرد اگر به صورت کامل اجرا شود تا حدود زیادی حقوق هنرمندان رعایت می‌شود و این تحقق به دست تمام مردم و در رأس آن صداوسیما انجام می‌شود که باید این مسئله را رعایت کنند بعد از صداوسیما، سایت‌های اینترنتی و فضای مجازی قرار دارد که بدون اجازه این آهنگ را پخش می‌کنند و هیچ‌گونه نظارتی برآن‌ها نیست که این نظارت بر عهده پلیس فتا و نظارت‌های دولتی است که نظارت اجرایی دارند.

برگ

زندگی چه شکلی بود اگر شهامت تلاش برای انجام هیچ کاری را نداشتیم؟

وینسنت ونگوگ

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۲۷	۰۵:۰۴	۱۲:۰۲	۱۹:۰۱	۱۹:۲۱

خواند

هر کجا نظمیست شیرین قصه‌های عشق تست
هـر کجا نثریـــت زیبا نامه‌های ناز تست

سنایی

خواند

امروز با حافظ

لاله بوی می نوشین بشنید از دم صبح
داغ دل بود، به امّید دوا باز آمد
چشم من در ره این قافله راه بماند
تا به گوش دلم آواز دَرا باز آمد

دیدگاه

برای ایران!

ما نمی‌توانیم بیشتر از طبیعت بگریم بدون آنکه بهایش را بپردازیم؛ یا بصورت قبض‌های محیرالعقول در آینده، یا بصورت فروپاشی زیرساخت‌ها و فروکاهیدن کیفیت زندگی. مسیر اصلاح، هرچند دشوار و نیازمند تدبیر، اجتناب‌ناپذیر است. زیبایی سرزمین ما مرکوه و دشت و باد و آفتابش نیست، در این است که فرزندانش بیاموزند چگونه مسئولانه با نعمت‌های الهی رفتار کنند. و این آموختن، ضرورتی است نه فقط برای اصلاح الگوی مصرف، بلکه برای حفظ ایران.

به گزارش پیام آشنا؛ به نقل از رسالت، در سرزمینی که رودهایش در خشکی لب دوخته‌اند و آسمانش معمولا خساست می‌ورزد، سخن از مصرف آب و انرژی، دیگر گفتگویی ساده میان اقتصاددانان نیست، بلکه ضرورتی حیاتی در زیست جمعی ماست. ایران، کشوری با منابع طبیعی محدود در اقلیم خشک و نیمه‌خشک در سال‌های اخیر با روند نگران‌کننده‌ای از مصرف بی‌رویه آب، برق، گاز و دیگر حامل‌های انرژی مواجه بوده است؛ آن هم در شرایطی که نه میزان تولید متناسب با این مصرف است، نه قیمت حامل‌ها بازتابی از ارزش واقعی‌شان.

بر پایه آمار رسمی، سرانه مصرف آب در ایران حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ لیتر در روز برای هر نفر است؛ این در حالی است که میانگین جهانی چیزی بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ لیتر است. در شهرهای پرجمعیتی چون تهران، این رقم گاه از ۳۰۰ لیتر در روز هم عبور می‌کند. از سوی دیگر، سرانه مصرف برق در ایران حدود ۳۰۰۰ کیلووات‌ساعت در سال برای هر نفر است، که این عدد تقریبا دو برابر میانگین جهانی است؛ در حالی که کشورهایی مانند آلمان و ژاپن با اقتصادهایی بسیار صنعتی‌تر، سرانه‌ای پایین‌تر دارند و مصرف‌شان هدفمند و مدیریت‌شده‌است.

در حوزه گاز نیز، ایران با تولیدی بالغ بر ۱۰۰۰ میلیون مترمکعب در روز، بخش قابل‌توجهی را در داخل مصرف می‌کند. سهم سرانه مصرف گاز در ایران حدود ۲۳۰۰ مترمکعب در سال است؛ که این رقم در مقایسه با کشورهای صنعتی جهان بسیار بالاست؛ این در حالی است که سرانه مصرف گاز در اتحادیه اروپا حدود ۸۰۰ مترمکعب‌است.

اما نکته تأمل‌برانگیز دیگر، قیمت حامل‌های انرژی در ایران است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، ایران یکی از بالاترین سطوح یارانه انرژی در جهان را دارد. قیمت برق خانگی در ایران به‌طور میانگین کمتر از ۳ سنت به ازای هر کیلووات‌ساعت است، در حالی که این رقم در بسیاری از کشورهای اروپایی بیش از ۲۰ سنت است. همین اختلاف قیمت‌ها، عامل مهمی در مصرف غیرمنطقی و اتلاف منابع است.

از نگاه سیاست‌گذاری، این مصرف بالا نه‌تنها پایدار نیست، بلکه تهدیدی علیه امنیت انرژی، محیط‌زیست و آینده معیشتی مردم است.

بحران‌های پی‌درپی کم‌آبی، خاموشی‌های برق در تابستان و زمستان، و کسری گاز در مناطق صنعتی، همه نتیجه غفلت از مدیریت تقاضا و فرهنگ‌سازی مصرف، بهینه‌است.

راهکارها چیست؟ نخست، اصلاح تدریجی و هدفمند قیمت حامل‌های انرژی با اولویت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر. دوم، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی مصرف، منطقی از دوران مدرسه تا رسانه‌ها. سوم، حمایت از صنایع کم‌مصرف و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر. چهارم، ارتقای بهره‌وری در سیستم‌های آبیاری، شبکه‌های انتقال و لوازم خانگی. پنجم، شفاف‌سازی وضعیت واقعی منابع و ایجاد مسئولیت اجتماعی در قبال آن‌ها.

ما نمی‌توانیم بیشتر از طبیعت بگریم بدون آنکه بهایش را بپردازیم؛ یا بصورت قبض‌های محیرالعقول در آینده، یا بصورت فروپاشی زیرساخت‌ها و فروکاهیدن کیفیت زندگی. مسیر اصلاح، هرچند دشوار و نیازمند تدبیر، اجتناب‌ناپذیر است. زیبایی سرزمین ما مرکوه و دشت و باد و آفتابش نیست، در این است که فرزندانش بیاموزند چگونه مسئولانه با نعمت‌های الهی رفتار کنند. و این آموختن، ضرورتی است نه فقط برای اصلاح الگوی مصرف، بلکه برای حفظ ایران.

مسعود پیرهادی

رنگ های مختلف پلاک خودرو در ایران چه معنایی دارند